

باسمه تعالی

سنن الهی

سلسله گفتارهای

استاد حجت الاسلام و المسلمین سید یدالله یزدان پناه

(آمل - حسینیة رضوان - سال ۱۳۷۶)

تقریر حجت الاسلام و المسلمین رضا شاکری



۸ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ - حَسْبِنَا رَضْوَانُ ۵/۴۶۷ -

۹ فَعَلِیْ یَنْظُرُوْنَ اِلٰی سَنَةِ اللّٰهِ فَلَیْسَ اَللّٰهُ یَبْدِلُکُمْ وَاَنْ تَعْبُدُوْهُ
اَللّٰهُ اَحْوٰی لَکُمْ

۱۰ الکی دو سنه الهی برآمده است که مورد بهرین قرار می گیرد. در قرآن مسأله ای

بنام سنه الهی مطرح است اینک عالم براساس سنه الهی گردد. اینگونه نیست که

۱۱ از هر جنبی در عالم چیز دیگری بنیاید بلکه هر آنچه که در عالم می گذرد بر اساس

۱۲ اسباب ممتحن است. سنه الهی خاص برای حاکم است. اینک عالم دارای

عاشقون خاص است در فرهنگ قرآن اثر آن به سنه الهی باقی گذر

۱۳ اگر آنگاه وزارت را بر عهده آن قانون خاص حکومت می گذرد که جلالت از

۱۴ آنگاه روی هر دهر قرآن اثر آن به سنه الهی باقی گذر. یعنی سنه الهی

۱۵ جنبی است که اثر آن وزارت بر خیزد. سنه الهی که مطرح می شود

فقط در مورد عالم ماده است شکل عالم معنی جمع می شود. هر این حاکم

۱۶ بر عالم معنی نیز بعنوان سنه الهی مطرح می شود. در قرآن

سنه الهی بر هر عوالم حکومت و سطره دارد. در فرهنگ

۱۷ بر آن کاری که در علم خداوند هر انعام دهر در عالم ماده

۱۸ بواسطه اسباب انعام می دهد. اینک الراجح اولی است.

این دو درخت که باید لقا می انجام کرد باید بر سید اگر این
 لقا انجام کرد این کار را با د انجام دهد و اگر با کرد
 را به درخت عاده می رساند و آن درخت بار و در می شود. در این
 آیه شریفه می گوید در باد این وظیفه را انجام می دهد یعنی سنت الهی
 اینگونه است و انزلنا من السماء ماء و جعلنا له نازلاً
 نازلاً یسکون و به این وسیله که رانیز سیراب می کنیم هر
 آنچه که در عالم عاده انجام می کرد هر آنچه استغای الهی
 هر آنچه که علم غریب را می بیند به آنگاه در راز در حقیقت بیان
 سن الهی اندر آن سنی که بر عالم عاده حاکم است اساساً
 هر آنچه که در عالم عاده است بر اساس این سن است
 از طرفی در عالم معنی نیز با نسأله سنت الهی مطرح است
 خدا مستقیماً انجام می دهد بر اساس اسباب و مقدمات
 است. در آیه و انزلنا الریح و انزلنا من السماء
 ارسال را به ریح و انزال را به آب نسبت می دهد
 در عالم معنی نیز چنین است اگر خدا معنی (ر) را به
 قول نسبت می دهد به این معنی است که مستقیماً انجام



۸ داده باشند بیرون اینک سبب دانسته باشند و وقتی بر
و می در قرآن بصفت به میانه می آید وقتی سخن در ترویج و می بر
۹ قلب خاتم است بوسیله روح الامین (حیرثیل) نازل می کند
۱۰ ~~قتل~~ روح الامین علی ملک لتکون من المذنبین در
این آیه سخن از ترویج و می است سخن از این است که
۱۱ سببی وجود دارد و آن حیرثیل است و یک قاطبی وجود
۱۲ دارد و آن قلب خاتم است و می باید بوسیله حیرثیل نازل
شود اینطور نیست که می مستقیماً نازل شود و معنی
۱۳ به همین طریق است که در آیه تذکر داده شد ~~و می~~
۱۴ اگر آن در دل بدی احساس می کنی این بدی مسلوبه
عیا طیب است ~~و می~~ در درون القاد خوب بوسیله
۱۵ ملائکه است اینطور نیست که خیر در دل یا شر در دل
۱۶ از خداوند بجان ~~و می~~ مستقیماً سرانیزد و می بوسیله
۱۷ اسباب خاص صورت می گیرد این می شود سنه اخصی در
سوره هدایت می فرماید بعد از هم رتیم با یا نهیم هدایت
۱۸ خداست در روانه ایمان مؤمن است یعنی این



۱ ارتباط ناگهانی بین اسباب و مسببات و مورد وارده
 ۲ که اینجا منزه الحی اند، می بینیم براسر قواکیم که
 ۳ سنت و نظام الحی است، عالم بدون این سنتها نمی گردد
 ۴ در قصه حضرت موسی این معنی تشریح کنیم
 ۵ است، حضرت موسی در حالت بیماری بودند و بیماری حضرت
 ۶ لحظه به لحظه شدید می شد و حضرت سلام الله علیه بدرنگاه بعضی
 ۷ (التجاری می کردند، به طبیب مراجعه نکردند، در عین حال ایضا
 ۸ می خواند که این بیماری را درمان کن، حضرت موسی با خدا
 ۹ سخن گفت لذا اکلم الله کت، به خدا عرض می کند خدایا
 ۱۰ من این هم التجاری کردم که بیماری مرا درمان کنی فدای تو
 ۱۱ بوسی قواکیم نظام من بهم برتری؟ منتهی که من اینگونه
 ۱۲ که تو تر د طبیب بروی من سفای می دهم، من سفای می دهم
 ۱۳ ولی بر اساس سنت، من از طریق طبیب سفای می دهم
 ۱۴ پس الله ان یجی الامور الی الله یا سبایها، اساساً نظام
 ۱۵ عالم بدین گونه است که ان بوسیله سبب خاص
 ۱۶ بعضیها در قصه حضرت موسی این نکته ضربه



۸ است که عالم نظام را در نباید از غیر این نظام به مقدر بر
(بسیاری از نکات را در کتاب **کتاب دوزخ** شمار در سنت الهی برگزید
و اما خدا بیدرد در همین آیاتی که برای سنت را آوردیم این
اگر معنی فوا بیده است یا این با در ارسال کرده ایم. این ناد
است که ... از طرفی هم جگوار این باد از طرفی صراحت
یعنی جمع بین هر دو که هم اسباب بین و هم بگو بوسیده
۱۲ صراحت طیب نصدی نزدیک قرآن تعالی دهد و وحده
اسلامی جنبه است که سنت الهی مجرد دارد و همه اینها
۱۳ را فدای گرداند هر گاه عدا می فوریم بعد از اتمام عدلی گوئیم
۱۴ الحمد لله رب العالمین **و** این سخن یعنی هر جا بر سفره
خدا رزاق است. به ما آموزشند بر سفره شخصی که می نشینی از
۱۵ صاحب خانه تکریمی به او بگو از این عدا می که بمن داده ای
۱۱ متشکرم. به این معنات که از طرفی هم اسباب را بین
بدان که بر سفره دیگری نشسته ای و از طرفی
۱۷ بدان که بر سفره خدا نشسته ای الحمد لله
۱۸ این سنت فکر اینکه هم سنت الهی **و** برای و هم



۸ برای خدا بوسیله صاحب خانه دار تو ~~تو~~ روزی می‌دهد
 ۹ آنکه گفته می‌شود سنت الهی بر همان و بر عوالم متعدد حکومت
 ۱۰ دارد به این معنی است که اینها همانی خدا یا سنگند هر این
 ۱۱ امور را در جای خود بین این صاحب خانه و آنست که
 باعث شده خدا به من عطا بدهد لطیف باعث شد که خدا به
 ۱۲ عطا دهد هم سنت است که هر چه او را که می‌درد
 ۱۳ حق است و هم سنت الهی است که در نماز و عقی
 ۱۴ در حالت نشسته به ایستاده می‌رویم می‌گوئیم بحصول الله و
 ۱۵ قوت لقوم و آنچه هم نسبت به خودی دهد و هم به خدا
 ۱۶ نسبت می‌دهد یعنی این دو با هم جمع می‌شود چشم
 ۱۷ حق بین راست با سر و خدا را در هر افعال بین که هر
 ۱۸ چشم خلق بین راست با سر که در هر جا سنت الهی جاری
 ۱۹ است



۸ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ حَبِیْبَةُ ۲ حَسْبُكَ رَسُوْلُكَ ۶ ر ۴ ۵ ۷

۹ اِنَّكَ جَبْرُئِیْلٌ وَهِيَ رَأْسُ اَمْرِ اَزْوَاجِ اَهْلِ بَيْتِ اَبِی اَبِی سَنَتِیْ تُؤَدُّ
 ۱۰ اَزْوَاجِ نِكَوَتِیْ حَقًّا . اَنْصِبُكَ جَبْرُئِیْلٌ هِیْ كَنْزٌ بِاِذْنِ اَلْحِیِّ اَلْحَقِّ رِیاضِ صَفِیْقَتِ
 ۱۱ سَنَةِ اِذْنِ اَلْحِیِّ ~~هَلَلٌ~~ اَسْت . ~~۱۰~~ دَرْ مَوْرِدِ قَدْرِ مِیْ كُوْنُیْمِ وَلَا تَكُنْ بِاِذْنِ
 ۱۲ رِجَالِ نَا زِلِیْ تُؤَدُّ اِیْنَ بِرِیْنِ مَحْمَدِیْنَ كَمَا سَأَلْتَ اَلْحِیَّ
 ۱۳ بِرَاهِ طَبِیْعِیْ . بِرَأْسِ سَبَبِ قَدْرِ اَبِی اَبِی كُنْ كَمَا مَلَائِكَةُ بِهٖ قَلْبِ نَا زِلِیْ تُؤَدُّ
 ۱۴ دَرَأِیْ اَبِی كُنْ رَاعِیْ بِهٖ كَرَامَتِ قَوَائِمِ كَسْرِ اِذْنِ اَلْحِیِّ دَائِمِ
 ۱۵ مَرْعُومِ عِلَاقِیْ (رَعْمَا) هِیْ وَفَا یَدِ اَبِی اَبِی هِیْ فَوَ اَعْدَ بَلُوْرِیْ كَسْرِ اَبِی
 ۱۶ فِقْطِیْ عِبْدِیْ بَا زِلِیْ سَبَبِ فِی عَمَلُوْنِ بِهٖ فَا یَفْرُقُوْنِ بِهٖ . وَبِاَمْرِ بَصَائِرِ
 ۱۷ بِرَأْسِ اَحَدِیْ اَلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ عَدَّةٌ اِیْ دَرِ زَمَانِ حَضْرَتِ سَلِیْمَانَ
 ۱۸ بِاِیْمَانِیْ طَلَقِ رُجُوْمِ اَبِی اَبِی كُنْ اَحَدِیْ رَا هِلِیْنَ
 ۱۹ حُضْرِیْنَ تَرَدُّدُ نَكْرَبِ اِذْنِ اَلْحِیِّ هِیْ سَنَتِ اَلْحِیِّ حَسْبُكَ اَبِی
 ۲۰ كَرِیْمِ وَرِیاضِیْ قَارِیْ اَسْتُ كَمَا بِرَأْسِ سَنَتِ اَلْحِیِّ بِرَأْسِ
 ۲۱ هِیْ تُؤَدُّ . هِیْ بِرَأْسِ اَفْرَادِ شَطْرَانِ وَهَدَا یَتِیْ مَلَائِكَةُ
 ۲۲ بِرَأْسِ سَنَتِ اَلْحِیِّ اَسْتُ . ~~۱۰~~ اَبِی هِیْ وَفَا یَدِ اِذْنِ نِكَوَتِیْ
 ۲۳ حَقِّیْ بِهٖ هَلَلِیْ كَرَامَتِیْ هِیْ هَلَلِیْ سَبَبِ حَسْبُكَ
 ۲۴ سَبَبِ رَا بِهٖ هَلَلِیْ دَائِمِ . كَسْرِ بِاِیْمَانِیْ هَلَلِیْ كَرَامَتِیْ

حضرت رسول (ص) وقتی که بزرگ تومی نزدتان آمد او را بزرگ شمارید



۱ معجزه برتر است از معجزه خودیک از ان الهی است و یک معجزه است
۲ خارجی است. گاهی عده ای معجزه را منت الهی می دانند. منت
۳ الهی این نیست که آنس نورانند اینطور نیست بلکه یک
۴ منت برتر است یا بیشتر اثر می کند. معجزه یک مکتوب است
۵ بر اساس حاشی خود را در جریان معجزه حضرت عیسی
۶ وقتی سخن از معجزه به میان می آید می گویند حضرت مسیح از زنگ
۷ شبه برنده ای و ساعت حضرت زراوع می دهد فیکو
۸ طرا باذن الله یعنی همین معجزه حضرت مسیح بر اساس
۹ منت الهی است و به اذن الهی است. معجزه هم به اذن
۱۰ الهی پیاده شده است. در ادعای تمام معجزاتی که در
۱۱ حضرت مسیح آمده به اذن الله است اُصی المور
۱۲ باذن الله. منت برتری تمام معجزه هست که می تواند
۱۳ صده را از بند کند.



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ حَلَبَةُ ۳، ۷، ۴، ۶، ۶، حَبِیْبَةُ رَضْوَانِیَّةِ
مَنْ یَنْظُرُونَ اِلٰی سُنَّةِ اللّٰهِ فَعَلَّی یَعْبُدُوهُ...

- ۱ بعضی رسید که اساساً عالم بر اساس سنت الهی قرار دارد هر آنچه کردی
- ۲ عالم روی می دهد هر را برای اسباب مخصوص به خودند هر صیبی
- ۳ اسباب خاص روی می دهد در عالم قوانین خاص حکومت می کنند
- ۴ این قوانین به عنوان سنن الهی مطرح می شوند عالم حاکم برای خود دارد
- ۵ قوانین دارد اگر آنست که می سازند در قرآن از آن بعنوان سنت
- ۶ الهی یاد می کند و آنچه که در روای عالم حاکم می نماید هر باز بر اساس
- ۷ سنت الهی است آنچه را که ما بگیران و می بود دیگر امور می شکستیم او
- ۸ هر چه بر اساس سنت الهی است اینطور سنت که خداوند به
- ۹ متقیان وارد عمل شود و شی از کائنات مخصوص عبور
- ۱۰ کند با کتاب روح انسان را ارتقا دهد اگر وی نازک
- ۱۱ می شود به وسیله جبرئیل است هر د این امور
- ۱۲ بعنوان سنن الهی اند یعنی خداوند به وسیله جبرئیل
- ۱۳ امور را تدبیر می کند اگر بخواهد باران بیاورد به وسیله
- ۱۴ برای کارهای که اگر مؤمن هدایت می شود خداوند جهان
- ۱۵ را هدایت می کند تا به وسیله ایمان مؤمن به راه

حضرت رسول (ص): وقتی که بدی کردی به نیکی آن را محو کن



۱ با ایمانیم همه این امور مستحب به حق است آنچه که خداوند
 ۲ معالی اعجازش در هر به و وسیله سنتی مستحب به خداست
 ۳ ای الله ان یجری الامور الا باسبابها خداوند سبحان
 ۴ است سیر کرده را در ~~ع~~ خداوند در هر کار و در هر
 ۵ عبادت امر خداست نه آنکه خداست ~~ع~~ خداست از عالم آفتاب
 ۶ خود خیر در دل هر سنی خداوند حاضر است و در دل هر تنگانی
 ۷ خداوند بکلی می کند ~~ع~~ خداوند مؤمن را هدایت می کند در حق
 ۸ ایمانست خداوند را در دل ایمان را بین دل هر موجود را
 ۹ خداوند بر کرده و چه الله آنچه حاضر است سنت الهی
 ۱۰ چنین است کس باید بوسیله خدا سیر شود صحبت خلق
 ۱۱ ببیند در درون همین خدا ببیند اسم رزاق حق در
 ۱۲ درون همین خداست بعد از عذای کریم الحکیم... یعنی
 ۱۳ رزاقیت حق را در عذای ببیند هم عذای بی عذو هم چه الله
 ۱۴ را در دل این سنت الهی می بیند در دل سنن الهی خداوند
 ۱۵ حضور دارد لذا بر اهل حق می شود گفت هم سنت است و
 ۱۶ هم سنت الهی است در حق با خدا و در حضور دارد
 ۱۷ ارسلنا الریح فانزلنا من السماء ماء یوحی الی عقیلی
 ۱۸ همه بر کسی تعیین رژیم شاهنشاهی به نظام جمهوری اسلامی ایران
 حضرت علی (ع) تا میتوانی نیکی کن و بدکار را با کردار نیک از کار زشت بازدار.



این است که هم جا را ... گفته شد اساساً تغییر دیگری
 هم در قرآن باین سبب (یعنی بکار برده شد و آن اذن
 یعنی است. اذن تکوینی حق که خدا با آن اجازة تکوینی این
 عالم را بوجود آورده است. بعد از این مقدمه به اصل
 مطلب می پردازیم. در بین سنن الهی ۱ سنت مهم برای
 انسان جامعه انسانی وجود دارد هر آنچه که در عالم بوجود
 می آید قولیست فاعل آن برای آن حکومت می گذرد سنت جزاء
 و سنت اصحاب آن الهی است اگر انسان این ۲ سنت را
 به صفت بیاید ... ~~حکومت~~ اگر این ۲ را بیاید تمام تفکرات
 رابع به آن و جامعه انسانی عوض می شود و آن می گوید
 آن هر چه بکند جز این را نمی بیند. از طرفی می گوید این
 دار دار از فاعلی است فاعلی که در درون وارد می
 ۱۱ منقده نظور بر آنند قرآن و عقلی در مورد انسان
 سخن می گوید ^{منوچاه} این ۲ سنت را باید انسان بر تفرّد نسبتاً
 این ۲ سنت ۲ سنت حاکم بر همه اعمال انسانی است
 ۱۸ هر عملی بر اساس این ۲ سنت می تواند آید و ظهور
 عوارض آئینده را تشخیص دهد آنهایی که (عقل



سزا قدرت در تواریخ استوار است و برین است که بسیار کار
 انانیت این است که سنت را همه ای از آنرا می شنود و می آید
 لب این است سنت پیاده خود است و اهل سزا قدرت
 می شود تک تک اعمال برای تواریخ برین گذر که هر صغری از
 هر صغری سر می زند هر چنانکه حضرت حق در آن قفسه صغری
 از او صاع می دهد همه آن امور غیر از باطن عالم می دهند آنجا
 که چشم باطنان با زایت بر ارضی می توانست چگونه این
 فرزندان پاک برای چه تحقق شد یا آن صصیت برای
 چه برای فلان کس بوجود آمد هر چنانکه عالم ماشه را نشاند
 می توانست آینه آنرا ضرب دهد تا نگونه اهل باطن آنگونه
 را ضرب می دهد از آنرا کسی گوید این است سنت را جدی
 بگیرد این است فقط حاکم بر افراد انسانی نیست بلکه بر جمیع
 انسانی نیز حکومت می کند و آن کریم برای عبودیت انسانی
 نیز صغری امری را مائل است چنانکه قرآن برای جامعه
 انسانی نیز شخصیت قائل است هر چنانکه فرشتانی
 تقلد و اهل و مورگ و قائل است و او از مورگ تا
 تقلد یک شخصیت قائل است برای جمیع موجودات



دیدن آید اهل سرالافتاد را و اندک عاشر الزکی رسید
 آمد اگر اهل قری ایمنی او روز در صفت تقوی
 جامع جامع را برین کرد برکات آسمانها می آمد یکی
 از سنگهای مسلم الهی این است که هیچ جامع برای نمی تواند
 برقرار باشد مگر بر اساس محنوبیت آنجا که اهل باطنند می دانند
 جامع دینی تقوی عائدی نسبت سنت دیگری هم استخراج
 است که در پلیدی فروردین و غروب شوند همان دعای
 حضرت موسی نسبت به فرعون جامع برای که در آن
 ما در واقع پیدا می کند عائدی نسبت فرا هیچ تقوی را
 از تقوی نمی گیرد حتی بجز اما با تقسیم تا آن حد که در کون
 در درون آنجا ایجاد شود محنوبیت کا ستم شود در آن
 لحظه یقیناً خدا رحمت را می گیرد در این آیه می گوید و الله
 است ای همیشه سوی سعادت می بیند اما آن حد که دیگر
 به فکر عنایت نسبت دیگر به اندک عاشر ای به آن نثار
 رهبر عظیم انقلاب فرمودند تا جم فرقی در صفت
 تمام به همه ارزشهای انقلاب است که
 به همین آیه شریفه وارد شد خدا سنس این



۱ بسم الله الرحمن الرحيم . جلد ۴ - حسین رضوان ۸، ۴، ۷۶

۲ عقل ينظرون إلا سنة الله فعل تجدد

۳ گفته شد که آنچه که در عالم می گردد و تحقق می شود بر اساس نظام فاعلی

۴ است که در هر چند قرآن ابرار می خواندند آن سنت الھی یاد شده است

۵ هر چه که در عالم روس می دهد بر اساس تاکنون خاص است و این قابل

۶ در همه موارد خاصی می شود و طبیعی و غیره طبق قرآن از این

۷ قوانین حکم بر عالم یعنی سنت الھی یاد می کنند و گفته اند که حکم

۸ طبیعی عهده داره بیا آنست بعضی از سنن الھی است مواردی

۹ که از عالم فاعله برتر است باز برای قوانین فاعلی است که مبتدا

۱۰ می تواند بر است اهل باطن گفتا گردد و قرآن کریم آنچه

۱۱ این قوانین یعنی سنت الھی یاد می کنند گفته شد که (ما تا بر تمام

۱۲ عالم همین سنن حکم است هیطوره ^{اعمال} بر اینها است و انسانی

۱۳ آنگاه از آنجا که شده آنچه که انانها انعام می دهند و

۱۴ آنچه که در آینده برای آنها روس می دهد تحت این است

۱۵ سنت الھی قرار می گیرد و این سنت جز او دیگری است اینها

۱۶ قرآن تمام اعمال را تحت حیطه این است یعنی دانند



۸ سنت جزا این است که انسان هر چه می کند جزای را می بیند
۹ ~~این~~ این بدان معنی نیست که اگر بدی در دنیا انجام داد
۱۰ آفت آنند چه اشک را می بیند مگر بستی است جهنمی است
۱۱ انسان شایسته به محبت می رود این مسلم است اما است
۱۲ جزای الهی بدین معنی است که نه تنها در جهان پس از مرگ
۱۳ باید جزای او را ببیند بلکه در همین دنیا هم باید جزای او را ببیند
۱۴ سنت دیگر خداوند سبحان که بر اعمال انسان حکم است
۱۵ ما که امتحان الهی است. خداوند هم را امتحان می کند
۱۶ تا آنچه که در درون را برده به منقشه ظهور برسد. و بعضی
۱۷ که باید انجام دهد امتحان الهی است. بعضی از مطالب
۱۸ را بیرون سنت جزا عرفی رسید گفته شد که اما تا این
۱۹ که انسان بدی کند جزای او را ببیند مخصوص انسان نیست
۲۰ بلکه مال جوامع انسانی هم هست. جوامع انسانی بعنوان
۲۱ یک مجموعه ولادت برای خود را می بیند. و اگر برای جامعه
۲۲ شخصیت ولدی قائل است. همه افرادی که در یک
۲۳ جامعه زندگی می کنند و دارای فرهنگ ولدی اند از نظر
۲۴ قرآن یک شخصیت ولدی را میزند لکن امه اجل



۸ یعنی یک تکلیف است و آمدند بعضی پیراهن جامعه
 انانی بود. قانون جزا بر جامعه انسانی نیز حاکم است یعنی
 اگر بدکنند تنبیه اجتماعی را می بینند. لذا قرآن کریم برای جوامع
 انسانی تعالی و انحطاط قائل است. قرآن می فرماید اگر
 جوامعی که به سمت دین نیامدند اگر به سمت دین می آمدند و
 تقوی می داشتند برکات آسمانی برایشان می آمد و لو آن
 ۱۱ اهل القری ... قرآن در این آیه می فرماید اگر آن اهل قری
 در فرهنگ قرآن قریه جامعه است که به سمت دین می آید
 ۱۲ مکه عنوان ام القری مطرح می گردد (لذا قرآن بسیاری
 ۱۳ از مکه را با عنوان قریه یاد می کند. ما آن دهکوره ها را
 ۱۴ از بین بردیم. آنجا که خدا وجود ندارد و فرهنگ فدایی است
 رواج ندارد آن دهکوره ای بیشتر سنت در آید و فرهنگ
 ۱۱ ولو ان اهل القری آمنوا و اطعوا لفتنا علیهم ...
 ۱۲ تمام برکات را برای آن فراهم می کردیم پس ویک سنت
 انجی است اگر جامعه ای اهل تقوی باشد نتیجه این است
 ۱۳ است که زمین و زمان در خدمت اوست. اگر ایمان در

۱. جامعه ای باشد سنت جز این است که برکات آسمانها و زمین
برایشان هم آید، و لکن کذباً... و لکن اهل قرینه اهل تقوی
نَلَسْتُمْ فَاِذَا هُمْ بِاِخْتِذَاقِهَا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ آنهارا از جامعه انسانی
۲. دور کردیم در حقیقت آن جامعه به اجل مخنوم خود رسید
لذا در جای دیگر قرآن می فرماید و این تَوَلَّوْا بِلِسَانِكُمْ
۳. به جامعه آغازین صدر اسلام است که می کند که اگر شما به دنیا
۴. ایست کنید و ایمان و فغانه های شما بنیاید شما را هم ببریم
۵. و قوم دیگری را هم آوریم یعنی سنت الهی است که
۶. آن قوم می ماند که موصد باشد، اگر در جامعه ای فقیر
۷. و مجبور را پیدا کرد روی سعادت نمی بیند این تَوَلَّوْا
۸. قرآن وعده نداده که از ایمان ما رافع کند ولی وعده داد که هوای
۹. ایمان داشته باشند با شما از رافع کند. در این آیه استغاری
۱۰. است که مسلمانان جامعه صدر اسلامی در پی خود در
۱۱. صبیح ذیل آمده که اگر رسول الله (ص) در سید است
۱۲. این قوم چه قومی است مگر اهل تقوایم؟ رسول الله (ص)
۱۳. و مورد این قوم نسل سید است، نسل سیدان



۹ باید بتواند مثل رز مطح گردد دیون ولایت

۱۰ اهل بیت را در مورد جای می دهد در جای دیگر اگر می خواهد
۱۱ خداوند نگاه بقوه جامع های را هلاک کند فسق و فجور را

۱۲ در آن رواج می دهد در این آیه خداوندانی فو اهد بفرمایند که
جامع های رو به سمت حق و صیوری آورد و اهل ایمان ^{ایمان} ^{ایرودن آن بخلک}

۱۳ و بدنبال سعادت می رود آن جامع می ماند از آن امر تا متر فیم
۱۴ معمولاً خوشگذرانان را طبعاً طالبان عالی جامع شروع می شود

۱۵ و وقتی جامع در آن فسق و فجور رواج پیدا کرد آن جامع
تا بود می شود یعنی سنت الهی این است که هرگاه جامع ^{است}

۱۶ از زعم فاسق مادی شود هلاک می گردد در این آیه تذکر
صحت داده شده که افراد جامع باید مواظب باشند

۱۷ مستولیم این سنت که عده ای گرفتار شوند بکل جامع
۱۸ گرفتار می شود و اینخواسته لا تصیبن و آنکه

۱۹ سوره انفال من فواید آن قسسه ای برسد که در این
آیه می فواید تذکر دهد که جامع بکل شخصیت و اعدا

۲۰ آن گوییم عا ذکریده و خود این مخصوص عده فاسق



۸ ست بلکه را منکر هم می‌کرد، این نیست که جنس از جامعه
 ۹ به حق و صورت کیده شود ~~و~~ کیت نه بگوید به مجابی محض
 ۱۰ عده فاضل است اگر با آن طور خود درست شود تمام
 ۱۱ جامعه انسانی را می‌گیرد چون جامعه یک شخصیت و لود دارد
 ۱۲ همچون می‌آید که بعضی از آن‌ها می‌شدند و اگر جلوی آن
 ۱۳ گرفته شود هر رفاست می‌کند رسول خدا فرمودند جامعه
 ۱۴ اگر مانند کسی است که افرادی در آن هستند کسی که نگاه
 ۱۵ می‌کند می‌کند است که بگوید من فقط دارم آنجایی که خودم هستم
 ۱۶ را سوراخ می‌کنم... هر کسی که نگاه می‌کند گوید دارد این کسی
 ۱۷ را سوراخ می‌کند می‌تواند بگوید من محدودی که خودم هستم را
 ۱۸ دارم سوراخ می‌کنم. اولاً باید در مقابل ~~آن~~ فضا و موقع
 ۱۹ معرفت ~~کتاب~~ آبراز کرد، نه آنکه بصورت نامه عقول بر ضرر
 ۲۰ نقد، جامعه به همان حُب و بغضی زنده است. ~~آن~~ ^{عبارت}
 ۲۱ می‌ماند که ارزشهای ملی برای او بالاترین ارزشهاست
 ۲۲ نگاه می‌کند که در مقابل فضا با سینه و موقع بگیرد اگر
 ۲۳ این گفته شده، بدین معناست. ~~و~~ اسلام می‌گوید

حضرت رسول (ص): بهترین مردم کسی است که برای مردم سودمند باشد.



۸ هم موظفند نسبت به حدیثی که در بی معرفت و برای آن منکر کنند
 این محدودیت نسبت به صورت است. ان الله لا یغفر... عن
 یغفر واما بالنفس. خداوند در این آیه می فرماید خداوند هیچ
 ۱۰ نفعی را از جامعه نمی گیرد مگر آنستکه آنجا در خود درگذرد
 روم ایجاد کنند. سنت برای اهل برهه و اوج عالم
 ۱۱ است که اگر به سمت بدی رفت مثلا باید منتظر بدی باشد
 ۱۲ اینکه قرآن می گوید اگر زلزله ای بود... می بیند همه بر آتشش
 رسالت خداوند... سنت جزا بر جامعه حاکم است
 ۱۳ در ترویج و فساد ظاهر و در دینا کیت ای بی الناس
 ۱۴ کسی که گناه می کند و جامعه ای که گناه می کند آن جامعه مثلا
 باید منتظر عذاب باشد. به تعبیر و آن لید یقیم بعضی...
 ۱۵ مصیبت ببینند تا آنرا آن کار بدی که می کردند دست بکنند
 ۱۶ اینکه امام باقر (ع) می فرماید در کتاب رسول خدا... است که
 هرگاه زنا در جامعه زیاد شود و در صورت ناگامی زیاد می شود
 ۱۷ این سنت الهی است... بدین معنی سنت آن کسی که زنا می کند
 ۱۸ صفت ناگامی فقط او را تهدید کند... می توصی

1997
APRIL
SATURDAY
12



۱۳۷۶
فروردین
شنبه
۴ ذیحجه ۱۴۱۷

که هرگز رامن خود را آورده نکرده است تا کفایتی ببیند
جامعہ یک شخصیت و اولاد را از وابتغافتنم... یعنی مواظبت
باشد که اگر قنہ امی آمده مخصوص عدلہ امی فقط صحبت
افام با و فرموده آن جامعہ امی کہ کم فروشی می کند منتظر عملی باشد
یک جامعہ در حضور او ای گیرد اگر جامعہ امی کہ زکات نمی دهد
درضاک کم می خورد آن کسی کہ باطن بین است می خورد آنکہ
"چه اگر باطنی بین است ~~است~~ پس یکی از استقامت
الحی در مورد رفتارشان حاست و است



۸ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ . حَلَبُ عَیْ . (وَمَا سَأَلْنَاكَ دُنْيَا مَوْصِبٍ شَرِّ حَلَبٍ بِعَمْرٍا
لِرُدِّسَتْ دَعِيمٌ وَيَا دَا سَعَايَ بَلَىٰ أَرْدُوسَانَ رَا لِرِ الْبُجَامِي نَكَارِیْمِ)

۱۰ اگر بلائی بر انسان وارد می شود برای این است که این انسان را بیدار کند
و شاید برگردد و متقی شود. مشکلات جسمی مانند تب بلائی است که آن

۱۱ را واهی دارد تا فکر کند و پاک شود و به آن مشکل حقیقی برسد و این بلا در
واقع رحمت است لعلمک ترجمه کن. قرآن می فرماید آنچه که آنها انجام می دهند کمی

۱۲ را به آنها بر می گردانیم تا شاید برگردد. گاهی شخصی بد نمی کند ولی بلائی بیفتد که این بلا
۱۳ امتحان است یا بلا. برای این است که اگر زود برگردد در رگ بلائی بیفتد و اگر

۱۴ زیاد بگذرد بلائی بیفتد. قرآن می فرماید: آیا کسانی که بد می کنند بیاور به سزای خود
برسند آیا آنها انتظار دارند آن سنت الهی را که در باره قوم یسین کرده بود

۱۵ در حق آنها انجام ندیم. امام معصوم فرمود اگر کسی به شخصی دیگری ظلم کرد
یا کند خود سزای آن را می بیند یا فرزندان او بد می می بیند که گفته اند مواظب

۱۶ خود باشید و بد نکنید امام صادق می فرماید آن کسی که گناه می کند از نماز سب می افتد
۱۷ و مستغفر به خواندن آن نمی شود با یک دلسوزی در حق کسی چندین ماه آنرا

۱۸ می بینم البته در دل می یابیم و بالعکس با گناه کردن توفیق کار خیر از او گرفته می شود
نه تنها در آن دنیا بلکه در دل خود سزا ترا می بیند. علی راج فرمود: بفرمودی بفرمودی الهی

پوشیده کن و لو کم باشد ولو ضعیف کم باشد اگر ظلم کردی چیزی بسنی و اگر شرک کنی ... نتیجه
حضرت علی (ع) دانش گنجی است بزرگ که از بین نمی رود
اعمال خیر در حال مرگ هم در حدیث آمده است که اگر کسی در روز قضاوت
می کند به سرعت در دل او حکم می شود و در دنیا از او فراموش می شود

سورہ کسی کہ برای فرزندان عدای ~~بیاد~~ بیاد ورد کویک اور روح کدر میدای کند

1997
APRIL
MONDAY
14



۱۳۷۶
فروردین
دوشنبه
۶ ذیحجه ۱۴۱۷

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ حَبِطُ ۶ اِرم ۷۶

۸... به هر کس که تقوی پیشه کند و همچون من یوسف زنده ایهار را تحمل کند خداوند
 ۹ اجرش را ضایع نمی کند و او را به وزارت می رساند. ایستاده لغو و قدمش از الله علیها
 ۱۰ در عتق می فرماید همچون من عبودانستم و تقوی پیشه کردم. یعنی دست از سبای
 ۱۱ الهی برین است و آنه من بقیق و بصیر... خداوند چنین کسان را الهی می داند
 ۱۲ یعنی دست جزای الهی در همه جا حاضر است ~~دست~~ دست است به سوسق
 ۱۳ یعنی کسی که در این است که اگر کسی خیر کند جزای او را در همین دنیا می آید
 ۱۴ در همین دنیا عزت به آن رسد و دهنه چهره اهل تقواست. ایستاد
 ۱۵ عالم چنین است. شر در عالم جایی ندارد و باطل است و حق
 ۱۶ جریان حضرت خضر را می رانی قولیم می بینیم بسیاری از اررار
 ۱۷ با طین عالم در آن صند آینه آینه است. خیر خیر می طلبد خیر خود
 ۱۸ آهن ربایی است که نتیجه خود را در پی دارد در جایی وارد
 ۱۹ می شود و حضرت صوفی عالمی در آن روزگار سینه بودند
 ۲۰ و گویی به آنجا عدا می یابد. حضرت دیوانی را دیدار ^{افتد} کردی
 ۲۱ حضرت آن دیوار را مستقیم می سازد حضرت صوفی و ^{افتد} ^{افتد}
 ۲۲ لا تقبل ریتا بلک اجرای فرگفتی. حضرت در آن ایفوله هم
 ۲۳ اعمال انجام شده بود هر چه کارهای را



بیان می کند؛ زیرا این در توارگنجی بود و این خانه مخصوص فرزندان
بود که پسران صالح بودند، خواستیم بواسطه صلاح پدر این
فرزندان منتقم شوند، چرا که خداوند اراده کرده بود این دو بگنج
برسد. اگر خوب به این آیه بنگریم اسرار قدر در آن
است، در روایات آمده است که گفتگان اینها صالحی
^{۱۲} جد حفص آنها صالح بود. سنت الهی این است اگر پدر ^{است}
^{۱۳} است فرزندان هم روی خیر و سعادت بیعت و بیایدی اثر
یا کسی که در یک خانواده است برگشت به جدی وارد که می باشد
^{۱۴} کرده است، کسی که برای خدا قدم برهنه دارد ^{است} سنت الهی این است
^{۱۵} که نسلی را پاک می کند، نظام عالم بر اساس سنج
و گردد، در مورد حضرت ابراهیم خلیل و فرزند حضرت سلیمان
^{۱۶} فصل همه مصیبتها را کرد در مقابل بت پرستان ابراهیم
^{۱۷} و برای خدا عیام کرد با تمام آبرو و جان و با زنی کرد صلی
آنها تصحیح کردند او را در آنکه بیزارند... قرآن در فصل
^{۱۸} چنین که در و هبناله اسحق و یعقوب و جعلنا فی ذریه
^{۱۹} النبوة و الکتاب و عیای این نکل و شرف نلی



۱۱ هو آتیناه اجره فی الدنیا . اگر او فدا کارن کرده است و اگر فائده
 را برای فدا داده است اگر سنت صالح دانست فاه او شکر را در
 همین دنیا داده ایم و در آفت هم او را به مقام صالحین می رسانیم
 ۱۲ در آفت مسلماً که باید منتظر را ببیند در همین دنیا هم ببیند
 فاه او اسحق و یعقوب را ایم و کتاب و نبوت را در نسل
 ۱۳ قرار دادیم ، اگر کسی سنت پاک دانسته باشد تمام عالم می شود
 ۱۴ مطیع او و مقصد نگار او می گردد تا نتیجه ای را ببیند
 ۱۵ جان پاک نتیجه ای را می ببیند هم در خود او و هم در نسل
 او . این سنت الهی است که کسی که فدا انجام دهد
 ۱۶ همین معنی در احادیث ما آمده است که اگر نسل امانت
 در ذریه امانت حسن و کسری کرد ، بفالو فدا کار بهای او است
 ۱۷ چون آنچه فدا کاری در روز عاصم و اگر در هر چیز
 ۱۸ را در راه فدا داده ، خود جایبازی کرده ، این هم فدا کاری
 نتیجه ای می شود پس امانت ، این سنت الهی است که
 ۱۹ است تا قرآنی می خواند اگر کسی در مسیر فدا می گذارد
 ۲۰ باید منتظر را در همین دنیا ببیند . گاهی نتیجه روحی
 هر دلی که موجب ارتقای روحی او می گردد

1997
APRIL
THURSDAY



۱۳۷۶

فروردین

پنجشنبه

۹ ذیحجه ۱۴۱۷

17

کسی که برای خدا قدم برمی دارد
آنهارا می دیند و آذین جاهد و ائمه کبیرتیم سلیمان
راههای هدایت را به او نشان می دهیم و بعضی قیل از آنکه
فلان محل را کندی تو است بین ضرورت فرق بگذارد
می بیند تا خود آگاه و حال دیگری پیدا می کند اینجا هر
محل است که او می کند آن کسای که در راه جهاد کشته شدند
را می بیند تمام راههای هدایت برایشان آشکار می گردد و آذین
جاهد و ائمه کبیرتیم سلیمان تمام راههای هدایت برای او
آشکار می شود ان الله ليعلم الصالحين. این ~~مهم~~ است
جزای الهی که هرکس که کاری می کند در دنیا نتایج آنرا
در عالمی در روستی در نلس شاهد می کند

1997
APRIL
FRIDAY
18

۲۹

۱۲۷۶

فروردین

جمعه

۱۰ ذیحجه ۱۴۱۷

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ عَلَیْهِ ص - ۱۱ ر ۶ ص ۶

قرآن: وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا... کاش که در خدا جفا نکند و در مقابل شکر

درون بایستد بلکه عقل آنها بر هوای آنها غلبه کند چنین افرادی در سبقت

اقرار می گیرند و بعد بیستم سببنا یعنی از تکرر نفس مؤثر است. کاشی

که این سیر را ببینی از این می گویند سنت الهی این است که عقابتی را

بما هدهم می کند که در سبقت عقل آنها انداختند. در روایت آمده

است آن جوانی که چشمش را در راه خدا می ریخت... بیان

لَبِزْ رِکَانَ یَدِ کَحْمَلِ لِرُفُوبِ غَفْلَتِ بیدار شدن و یک عمل پاک

راستند های یک عمل نجات نفس آنها بود. کسی با فائزانه خود

بر خود شایسته را بر غضب خود غلبه دارد گاهی احوال

می کند روح غضب تا که طایفه فزاید بر او وضعت کرد در می گوید

خدا را برای تو کنترل می کنیم می بیند موقع از آن روش و خرافات

میروان کند. آن کسی که بعضی از این در این سیر قدم گذارند

می شوند اول الله. و الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا... نَهْنِ سَبِلْنَا

برای خدا چشم از با محرم منصرف می کنند برای خدا لب از غضب

مخوف می بندند چنین افرادی سببنا یعنی راهی ببینند



۱۰ اسفند سیدنا خداوند مراد لطف و حسن احوالی است یعنی در روع
 انسان هر عملی نتیجه اش را نشان می دهد ~~و در ظاهر~~
 کسی که بگوید کار به صفت می فرماید همین مقدمه می شود برای
 اعمال بعدی او. آن هنگام که سر میگذرانست می بیند در
 مقابل رب العالمین است. و آن: یا ایها الذین آمنوا ان
 تسقوا الله يجعل لكم فرقانا یعنی توبه در دل شما قرار می دهد
 ۱۱ که می تواند حق را از باطل تشخیص دهد. آن چیزی که
 عجم است این است که نشان در ظاهر واقع حاس باشد که
 باید چکار کند. فرقان آن حقیقتی که انسان با دیدن می فهمد این
 ۱۲ است شخصی غایب است. گفتند از تو است مؤمن بترسد چون
 او بی نظیر بنور الله. با نور الهی می بیند. این نور الهی همان
 نور فرقانی است. باید بخشد که یک تری ~~و~~ معاینه گوید
 ۱۳ من فرمود لو چکاره است و چکاره فو اهد شد، این نصیحت
 ۱۴ مگر نتیجه عمل انسان. هر چه تقوی بیشتر این نور فرقانی
 بیشتر است. این سنت فراموش ندهد به حال پاک و
 ۱۵ دنیا و در دوستی بلکه عمل تکامل روحی انسان
 نیز می شود. و آن من یقین الله بعمل له می جا



هر کس تقواى الهى پيشه مى کند بهر بن بست دچار نمى شود
از جهه بلایا براحتى عبور کند، بلاى کند ولى براحتى از آن
مى گذرد، مؤمن ~~مؤمن~~ و متقى سنت جزای الهى است
که يعجل له عجزها. اين سنت ياران معنائست که هر جا
مؤمن بر اساس تقوى عمل کند هرگز در بن بست نمى افتد.
" اين بايد گفت که عالم مزاج خاص و ارد جهه مزاج
است، عالم شريفه و اشان داراى مزاج خاصى
است، هر چه که حق است در خود جذب مى کند و ناپاکى
را دفع مى کند. اين سنت الهى است ~~و~~ و آن مى تواند مکان
حق و باطل همچون آب و کف روى آب است، باطل
که روى آب است که نمى ماند، گاهى ~~مى~~ فرمايد در عالم صواب
باطل وجود دارد، خدا هر گاه باطل را ~~مى~~ بيدار
در مقابلتى مى آورد که حق عليه کند. سنت الهى
بسي گونه است که عالم بايد بر اساس حق و يقينت بگردد
و اگر کسى چنين منطقي پيدا کند و بداند که عالم با حق
است و عالم مصيب استقرار حق است، آرام
مى شود، قرآن بگرداند آنکه اين جريانات را بصورت

حضرت رسول (ص): بهترين کارها بعد از ايمان به خدا دوستى با مردم است.

تفصیل بیان می کند و فرماید اگر شما به ایند عالم استخوان است
 باید آرام شوید اگر دیدید یا طلی میران گرفته است
~~باید آرامید~~ اگر کسی چنین منطقی را ببیند الله
 که خدا با مستقیان است آرام می شود، نظام را نظام آن
 الهی می بیند بدین به عالم می شود ای رسول خدا اگر دیدی ای
 عده ای بر علیه تو فکر می کنند و صحبت ناراحتی بوسی شود تو
 ناراحت نباش چون ان الله مع الذین اتقوا و هم الذین هم
 معنوس، این صحبت صحبت تأییدی است، گاهی در فرمای
 هو معکم انما کنتم لینی صحبت تکریمی است که با کافر
 هست، اگر صحبت فقط برای مؤمن است آنهارا تأیید
 می کند و مدافع آنهاست ان الله یدافع عن ذلک ای نبی فکر
 کرد ستمان محزون مباش ان الله مع الذین اتقوا
 کس بداند در میر ضریقتی زنده و در عالم با او است لذا
 مؤمنون نمی شود، لانعز ان الله معنا کسی که این را
 بداند که هر جا که برود عالم رحمت است و طبع او
 حق نسبت می شود و باطل کفرین می شود در بزرگان
 نسبت، در مقام دل سخن فریاد می زند تا در آن
 فرجای دل آرام است، خداوند موده من

1997
APRIL
MONDAY
21



۱۳۷۶
اردیبهشت
دوشنبه
۱۳ ذیحجه ۱۴۱۷

از مؤمنان دفاع می‌کنم به شرط آنکه آنها در مسیر ایمان با منند
نه اینکه برای لحظه‌ای ایمان داشته‌اند و بعد از آن
تفرقه از خدا بگیرند. به همان اندازه خدا یاری می‌کند. خدا
بالایی دارد و حق است و بفرماندگی ایشان گریه می‌کند
سخت و سنگین است ولی بدان اگر در مسیر حق قدم زنی
همه عالم با تو است. به تعبیر مولای متقیان این لحق پیوسته است
سخت است گاهی باید فرد سنگینی کند گاهی با وزنند و حال
ببر هر اتفاقا قیبت خویش را دارد. باطل آسان است اما
بسیار بدعا قیبت است و سقوط است چرا که عالم با اهل
تسبیح و تضرع است



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ حَلَّتْ ۱ - ۱۲/۴/۷۶

۱ بوسیله شادیا و بلاها آن که مورد امتحان واقع می گردد، فقط بوسیله
 ۲ بلا و مصیبت آن که امتحان می شود، گاهی به او نعمتی می دهد و او را امتحان
 ۳ می کند، گاهی عده ای با سرفایه زیاد مورد امتحان قرار می گیرند و گاهی بوسیله
 ۴ فقر، بین فدای راه بدون استثناء و مورد امتحان قرار می دهد، این سنت
 ۵ الهی است. ۵ باید پرسید: شروع مورد امتحان قرار گیرند، در واقع
 ۶ قرائت و فایده این دل در حرکت و کسب است، کسی که شکر برای او
 ۷ رخ می دهد یا غمی به او رخ می نماید، او در حال کسب است، او در سبب
 ۸ به اینها موضع می گیرد، آنها در حال مصیبت کفر می گویند، از این امتحان
 ۹ شکر بر نیامدند، گاهی عده ای به آنکه حال زیاد داده می شود و آنها از این
 ۱۰ امتحان الهی بگریزند، خدا را منکر می شوند و گویند من که در این امور
 ۱۱ این حال را بیدار آوردم، او از این امتحان بر نیامده است.
 ۱۲ بنویسم یا لا اله الا الله، گاهی آن که گم می کند تا صحنه حاکم
 ۱۳ پدید نیاید، امتحان می شود، چنین نیست، در تمام حالات حتی در حال
 ۱۴ خواب، خدا خود در مورد امتحان است، بدین معنی است
 ۱۵ که امتحان را بعد از مدت طولانی از آن می گیرند، در تمام
 ۱۶ لحظات عمر است، مورد امتحان و کار می گیرند، صلی الله علیها

سازگور اعلام انقلاب فرهنگی - تاسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
حضرت رسول (ص) از بهترین کارها، کرسنه را سیر کردن است.



۸ وقتی کسی که خنده ای کرده و دنی را بدرستی آورد و امتحان را بدرستی
است. عالم یا با کسی که در یا با غیر. در هر لحظات انسان مورد
۹ امتحان است. *عَمَّ الْبِلَادِ رَجَعُونَ* آن هنگام که امتحان را پس داد
۱۰ به سمت فدا می روید. است عالم این است که انسان هم آنچه در
۱۱ بدون دارند شکوفا کنند بهر بهر است فدا می روند. نگاه کاخوی
۱۲ عباد و کفر را در دل خود دارد در آن ابتدا و (فیع نیست) باید صلوات
۱۳ متعدد است بیاید که آن عباد آنگاه رسد. خدا با امتحان
۱۴ آنهایی که در دلهای آنها است شکوفا می کند. و آن که در فرمایند
۱۵ آنهایی که در دنیا *أَحْسَنُ* و طعم شکست را چشیده اند که در آن
۱۶ نگاه برای *أَوْسَنُ* است و نگاه بیرون و ملک
۱۷ *الذی یام نذ اولها* در هر این است که بیرون برای
۱۸ آنست که خداوند بفرماید *عَمَّ الْبِلَادِ رَجَعُونَ* کسی که کافر است
۱۹ *البتة* خدا را زل علم دارد لکن برای این است که ما
۲۰ آنچه در دل داریم بیرون ببریم. خدا با است امتحان
۲۱ من قولا خدا آنهایی که در زوایای دل او هست بیرون بیاید
۲۲ وقتی انسان از دوا می کند و با عده ای بر فخر دمی کند
۲۳ *عَمَّ الْبِلَادِ رَجَعُونَ* اینها می بر فخر دمی کند *عَمَّ الْبِلَادِ رَجَعُونَ*



هنگامی است که عالم در حرکت است انسان باید آینه که در درون
دارد بیرون بیاورد. اگر مورد امتحان واقع نگردد مؤمن
ایمانش ظاهر نمی گردد. و آن ولیست یعنی فانی صدور هم
"و لا لیحصن فانی قلوبکم. سنت امتحان الهی چیست است یعنی
انسان با امتحانی که می دهد هر چه که در درون دارد بیرون
می آورد. خداوند با امتحانی که می کند آینه که در درون فانیست
"به منقشه ظهور می آورد هر انسانی طینت مخصوصی دارد
که آن طینت با امتحان الهی شکل و ظاهر می گردد. آن که هفتادانی که
در مقابل مصیبت و کوه می گردند یا شاد می گردند بر این است
"آن که در مقابل عساکره است. این سنت الهی بر این است
که انسان با دلها شکوفا شود. از طریق همان سنت امتحان
است که مؤمن به آن درجات بالای ایمان می رسد.
"آهسته آهسته ایمان در دلش جاری میگردد. این که چه اولیا
به آن درجات عالی رسیدند از مسیر امتحان گذشتند. توان
من و فایده امتحان الهی بر این است که افراد است حتی انبیای
"عظام. بعد از امتحان آن مقامات به آنها عطا می گردد در



۱ سر از ابلی ابراهیم ربه... هتتا من که حضرت ابراهیم به امتی
 ۲ های مقدسه در آن زمانیکه و اگر گرفت آنوقت او را
 ۳ مردم قرار گرفت. ای جاعلک للناس اماما، آن امامی
 ۴ که ولایت بر همه جاها دارد. آن مقام ~~عظیم~~ امامت را ندانند
 ۵ به حضرت ابراهیم عکرم بعد از امکان. آنهم امتیانات نخبی
 ۶ که اکثری از پس این امکان برمی آید. من دانم حضرت
 ۷ ابراهیم تا ایام پیری صاحب فرزند شده بود در اول فر
 ۸ عمر به او حضرت اسحق و حضرت اسمعیل داده شد. گفته
 ۹ شد که ایها النبوت و عطیت دارد. حضرت فوایب می بیند
 ۱۰ که دارد حضرت اسمعیل را ذبیح می کند. با دیگر فوایب
 ۱۱ دیدند بعد از اینکه عکرم از این صحنه را فوایب می بیند می فرمود
 ۱۲ این دستور الهی است. در آن وقت که دید ایشان بیفواهد
 ۱۳ فرزند خود را ذبیح کند به حضرت اسمعیل و گوید فرزندم
 ۱۴ من فلان فوایب را دیدم حضرت اسمعیل فرمودند پدر
 ۱۵ آنچه دیدی را محل کن من حاضریم. بلا و مبین امتحان
 ۱۶ استکباری او را کردیم و او تو است از این امکان سر بلند
 ۱۷ بیرون بیاید. ~~همی که علامتک است~~ به حضرت اسمعیل

شکست حمله نظامی آمریکا به ایران در طیس

حضرت علی(ع): کتابها باغهای دانشمندانند.



۱ و حضرت اسحق و یعقوب را در آنجا حضرت ابراهیم و اسماعیل
 علیهم السلام ملائکه می گویند فکر کن که رحمت حق ماست یوسفی که حضرت
 یوسف را در آنجا در چاهین انداخته اند بعد از آنکه امتی می دادند و
 ۲ امام چه سنت الهی است که در این آیه در این آیه
 خود بشارت آگهی بپیوند رسول اکرم رحمتی که عظیمی را دارد
 که هیچ رسولی به آن عظمت دست نمی یابد پس از آنکه
 ۳ امتی که دادند است حضرت صاحب لا فرزند بودند
 ۴ فرزند لر را در آنجا رفتند بی مگر مگر ع فرزند را
 با چشم صد دید فقط حضرت فاطمه بعد از رسول اکرم
 ۵ لر دنیا رفت رسول معظم اسلام ع فرزند را که بار خدای
 خود دید که باید به قریب پیوندند... القلب ترون واللعن
 ۶ تدمع و ما نقول الا بالحق و ما هم الا کفیه قد لعنهم الله
 ۷ می کند خداست در همان کودکی بعنوان پیام بود
 ۸ چنین فردی می شود نبی فکر می کند بر هر چه در عالم برود
 که هر انبیای الهی در مقابلش قانعند هر گاه الهی
 ۹ دیدند فرمود الحمد لله کلهم لله لیس فیهم
 ۱۰



۸ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ . جلد ۹ - ۱۳ / ۴ / ۷۶ (مجموعه)

عقل بنظرون رآل سنه الا الاولین

۹ در حیات قبل بعرض رسید که عالم بر اساس سنن الهی عمل کرده و با کفایت

۱۰ که در عالم بعنوان مقامات حاکم دیده می شود همه سنن الهی از او نشان

۱۱ از این قانون سنن نبوت تمام اعمال و رفتار منطبق است حکومت سنن

۱۲ الهی است هر چه که می کند نتایجی که در پی آن می آید همه در پی سنن

۱۳ الهی است سنت جزا این بود که اساساً خداوند بکار هر کاری

۱۴ که بنده می کند را بی نتیجه می گذارد اگر در مسیر ضریقه می گذرد فردا

۱۵ عالم را بی فرصت کفری کرده، فالش را برکت می دهد سنن دانش

۱۶ پاک و ارض دهد و ... و اگر بد کند و بلید را ای ارضی را در

۱۷ فارغ بنمایاند خداوند بر اساس سنن الهی او را جزا می دهد و

۱۸ او بقدرت ارض سعادت نمی بیند مثل پاک می شود

۱۹ جایی که نتواند ارتقاء نماید بلکه مصدوم تنزل می کند پس خداوند

۲۰ گاهی بلا و مصیبت که بر فرد وارد می کند بر اساس اعمال اوست

۲۱ آن است بعد ثبوت به سنن امکان رسید ~~...~~ که

۲۲ همه اشها را مورد آرزای من قرار می دهد همه اشها را

۲۳ دنیا باید مورد امکان و کفر گیرند همه باید در رحمت زندگی

حضرت رسول (ص): کسی که ایمانش بیشتر است اخلاقش نیکوتر است



آنچه که در درون دارد مذبح منقش ظهور بر سینه خداوند
 تمام عالم را به عنوان امتحان در اختیار دارد. امتحان الهی
 بدین معناست که هر لحظه ایشان در برضورد با اجتماع و اغراض
 او تراکب محیطی دارد خود را در این ساز و گاه می بیند و معنی
 هر لهد و او تا بوقت را می آورد و در این امتحان در شکست
 می گردد. از اینک خداوند امتحان می کند بدین معنی نیست که در
 وقت حاقی امتحان کند. تمام وقت لحظات عمر او مورد
 امتحان است. هر چه می کند؛ می خواهد به راه می رود سخن
 می گوید همه امتحان الهی است. گاهی وقتی سخن می گوید
 نیت خدای می زند و دل شخصی را بر روی آورد. عالم پر از
 نیت است و نیت انسان در همه این لحظه ها باید
 خود را بیازماید و بداند چکاره است بنده که با شکر و الخیر
 کائنات را بلا و شر و غیر و نیت مورد امتحان و آری دهم
 عالم چیزی جز شر و غیر نیست. امتحان بدان معناست که ایشان
 در این لحظات را در خود را در سازد آنچه که در درون
 است نیت باید شکوفا شود ~~و~~ اینک خداوند
 امتحان می کند بر این است که ایشان آنچه که در درون



۸ دارد به بیرون بریزد گاهی آنکه در درون دل سوزی دارد
باید بیتی یا فقری بیند تا دل سوزی آنرا نکند اگر نه ایست
حقیق شود آن زمین شکرهای شود گاهی دعوی در درون
۱۰ دارد یا شاکه خیر در درون دارد به بیرون بیاید و تمام دل
را بگیرد تا آنکه شکوفا گردد اما تا عارضین را
۱۱ زینتی قرار دادم و به وسیله این زینت همه راهم را امکان
۱۲ قرارم دهم تا آنکه شکوفا گردد اگر چه مؤمن است تا
تمام دل او را ایمان بگیرد تا ایمان او را بر آورد هرگز
۱۳ اگر کافری است خداوند فرماید فاهم را امتحان می کند گاهی بوسیله
۱۴ شر و گاهی بوسیله خیر بسیاری از افراد وقتی به رحمت
۱۵ می رسند ایمان از دلشان بدر می رود این نشان می ده
ایمان ~~است~~ ^{حقیقی} نبود و از اینها علی الاطلاق نمی بجایند
۱۶ پس افرادی در صفت با صفت مورد آزمایش قرار گرفتند
۱۷ امکانات عالی برای آنها فراهم شد ولی همین امکانات برای
۱۸ آنها تسو بلاست. وقتی آن با کسی بر خورد کرد
۱۹ از ایمان دست کشید آن محبت می شود رحمت.



۱. ای انسان باید ملتت باشد اگر عالی پیدا کرد اگر ماه و
مقامی برای او حاصل شد فرد را بازو که بدانزهر آشفه از آن عهد
۲. نزدیک صحت نیت است و نزدیک صحت امکان، خدا فرمود
۳. ما همه را امکان می کنیم لیبتی الله فاعی صدور کنیم و کمصن
۴. حاضر قلوبکم به او می نهند که عکلا ره است، اگر یکی و چهارت
۵. در دل دارد و حق نیت به او رسید آنرا بین دیگران تقسیم
۶. می کند، ولی اگر کسی که نیت به او داده می شود او خدا
۷. را فراموشی می کند پس فردی در صفت شکر و سستی
۸. مال او را می گیرد، دیگران نیت را فراموشی می کند هر چند
۹. در ظاهر در هر ماه است وقتی در باطن در نیت است
۱۰. از انغنا... در مقابل خداوند فرمود عده ای را شکر
۱۱. بلام هم عده ای را بوسید نیتش مال و چاره و
۱۲. عمرات مورد امکان خوانی و هم ولی آن عده که
۱۳. صبورند و هم الحی را حمت می نهند وقتی فقر بدانها
۱۴. روی می آورد می گوید خدا نیتش را بداد اگر بیماری
۱۵. به او روی می آورد می گوید خدا این را از صبر و پاک

روز کار و کارگر

حضرت علی (ع): نشانه نادانی خود پسندی است.

1997
MAY
FRIDAY
2



۱۳۷۶
اردیبهشت
جمعه
۲۲ ذیحجه ۱۴۱۷

۸ شده گناهان و کار واد و این نعمت است، اگر
بلائی خدا می دهد زبان به بدی نمی گشاید می گوید خدا از این
طریق مرا مورد امتحان و کار داده است این بلا نعمت
۱۱ است و برای لویک تعالی و ترقی است که در دل اهل
نعمت می بیند. این را باید درستی و بلندی قرار گیرد
۱۲ تا شکوفا گردد. هیچ کسی نیست که نداهای شیطان می در
۱۳ درون ندانسته باشد. برای مؤمن شیطان نعمت
است و قس شیطان جمله می کند می بیند هیچ پناهی
ندارد و استغاثه به سمت خدا می کند و دستگیر می شود
۱۴ اگر مؤمن آن کمالات در وی خدا را شکست می کند قطره
۱۵ می گوید به سمت خیر و در وجه سعادت می گوید به کم
شر و اوصاف قطره را عمل می کند و در هوای
۱۶ نفس اگر نباشد شیطان و کافر اگر نباشد آتش و مؤمن
همی تولد آنها را عمل کند و قس حضرت ابراهیم
۱۷ در مقابل آن عقیل آن هم مصیبتها سر بلند می آید به
۱۸ او خطاب می رسد ای جاعل در... اگر آن بیت پر...



۱. نفوس او به این مقام نمی رسد. با چنین امتحانی انسانهای
مؤمن به گمگشایی رسند. سنت الهی این است که این
۲. کاردار دار امتحان باشد و انسانهای مؤمن در اثر این
۳. امتحان ها به آن گمگشایی دست بیابند. وقت مؤمن
۴. بی بیند بنگاره در دل اغرای کند. موضع می گیرد از او
۵. چند باری شکست می خورد. دلی می آید می گیرد. چطور در
۶. مقابل او موضع بگیرد. چنین انسانی می تواند به گمگشایی
۷. برسد. سنت الهی این است که در آن روزگار خداوند
۸. مؤمن را بر ستار و کافر را به قعر جهنم واصل کند.
۹. مؤمن در بر خود با کافر و کتب الهی ایمان را شکوفا
۱۰. کند. این عالم باید آن گن دانسته باشد تا انسانی
۱۱. آنچه در دل دارند به بیرون بریزند. عمر در سیاه امیر المؤمنین
۱۲. در مقابل معاویه و جنگید و بی ایمان بود که مسخر
۱۳. نبود و در آن فور مقابل حق ایستاد. قرین یزید لریانی
۱۴. باید آن گن روزگار ببیند تا محبت به قائلند
۱۵. ز کهر است که ما کند. این گفتند که سبب به شهور



۸ اتقن قودر را ما نه نبائید، هر آستان در درون خود نشسته
 ۹ نفس را در باید یکی یکی با آنها مقابله کرد و اگر نه در هر صحنه ای
 ۱۰ و در آن لحظه های قاسم انسان را به هلاکت می رساند.
 ۱۱ گاهی انسان به سمت صوفی رود ولی کمی دینی دارد
 ۱۲ در موقع قاسم همان تمام اعمال او را حیف می کند
 ۱۳ غوز یا الله من شروانفنا... با امثال نهی گوناگون
 ۱۴ آن شرو جلوه می کند به ما گفتند تا می توانید فزرا ایچیم
 ۱۵ دهید تا آن شورا نفس از بین برود ~~و~~ پس
 ۱۶ آنچه که توان می فواید این است فنبو کم با شرو الخ
 ۱۷ نلتد بیفتید مراقب فور با سید، نفی که در آرید به رخ
 ۱۸ ریدان نلتد صتی دستور دارند اگر عالی دارید نسبت به
 ۱۹ ریدان کم بیجان کنند تا در ریدان متوجه شوند نه تنها
 ۲۰ فرمودند تا فرنگند بلکه فرمودند استگونه هم بکنند که بدل
 ۲۱ کسی بردا گیرد همه عالم است ای کس و آستان با بر
 در این سنت سر بلند بیرون آید



۱۴ اردیبهشت ۱۳۷۶

5

جلسه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ جَلِیْلَهٗ ۱۰ شَبَّ سَعَادَتِ اَمَامِ رِضَا (ع)

گفته شد برای اعمال آسانی راست است چاکم است: سنت جزا و سنت امتیاز است

سنت امتیاز آن است یعنی حکام آنهایی که در دنیا روی من دهوا امتیاز است

آنهایی که در دنیا با ابدان من طرح می شود من، فرزندان، اقباع همه امتیاز

است و در همه این صحنه ها آن را باید امتیاز پس دهد

۱۱ اِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْاَرْضِ زِينَةً لِّهَا ۱۱ فَاَرْضِ رَا بَا زَيْنَتَا اَمِيحْتِم

۱۱ کُلِّ دُنْيَا زِيْبَا سَت لِنَالُوْهُم اِيْرَامِ حَسَن مَعْلَا ۱۱ شَمَارَاهِي خَوَاهِيْم بَرِيْدَهٗ

این زیبایی آرزای من کنیم می فراهم بیینیم چه کسی عمل زیبا تر انجام

۱۲ می دهد چه کسی در این سر زمین خطای کند همه صحنه ها

۱۲ بِلَا سِيْ اَنْتَ كُنْ اَنْفَعُ كُنْ دَرْدَرُوْن دَارُوْسُ كُوْنَا كُنْ

همه آنهایی که در درون است بید اگر در اصل دنیا برای آن

۱۵ است که آنهایی که در درون بید اگر در تن اجم و ن ک

۱۱ بدان آن است که در این گنا گنایان خود را بسازد

لِيَحْقُقَ مَا فِي قَلْبِهِمْ ۱۰ و سنت امتیاز چنین کاری

۱۱ می کند اگر امتیاز آن است نباعد و اگر شیطانی نباشد

۱۱ اگر کسی نباعد مؤمن به گنا گنایان می رسد مؤمن باید بر



۸. آراهی و کفر و ارگرد و این بین این است که کند، نه آنکه
مؤمن به آن معذرت کند، در حقیقتی ~~همان~~ دل خود که ایمان دارد
به مراحل ایمان برسد، بلکه گاهی باید شیطان بر او خلبه کند
او را و طعم تلخ سقوط را بچشد و بسپری هوا می رسی را به عقل خود
بچشد تا هرگاه در مقابل هوای نفس و شیطان باسد و دیگر
۹. فریب این است و انقدر که همه این مراحل زندگی را در بهائی
۱۰. از آن است و این باید این مراحل را طی کند تا به مقصد برسد
همینطور اگر کافر کسی در درون دارد تا سنت الهی رخ
۱۱. نماید آنکه در درون دارد بیرون می آید خداوند یک
۱۲. هدایت عمومی دارد و یک هدایت اختصاصی عمومی است
که هر شیئی باید به یگانگی برسد این بر اساس سنت
۱۳. امکان عمل شود، این هدایت عمومی را خداوند نسبت به کافر
۱۴. هم از ایمان می کند ولی مؤمن یک هدایت ~~خاص~~ دیگری
هم دارد این هدایت خاص است، اگر خداوند هر چه را
۱۵. به آن نهایت راهی هدایت می کند این همان سنت
۱۶. الهی است و وقتی چنین معنایی برای انسان واقع
شود هر چه که می کند مواظب است می گوید زن امکان



۸ است اولاد و اموال امتحان الله است . گاهی عده ای
 در سر زمین قدم می زنند ولی فرزندشان صالح نیست اهل
 فسق و فحش است اما این خانواده برای اینکه از این فرزند
 ۱۱ حمایت کند از دینش می گذارد . خدا می خواهد این امتحان
 است یعنی بظواهر او از دین خود کم نکنند تا از او حمایت کنند
 ۱۲ او را هدایت کنند . گاهی خانواده ای فرزند مؤمن دارند و
 ۱۳ به دیگران تقاضای کمک بظواهر تقاضای کمی کنند مورد امتحان
 الهی اند ، آنجا که ایمان فرزندشان را برای فدا می خواهند
 ۱۴ در امتحان الهی سر بلندند . اموال شما که گمان می کنید بر سر
 ۱۵ شماست مرد آن را میگیرد . پس کل عالم می شود از این
 ۱۶ همه امتحان الهی است . و ان شاء الله باید در این امتحان
 سر بلند بیرون بیاید . از طریق تو اگر از امتحان الهی به مگر
 ۱۷ یاد می کند آنچه که خداوند به عنوان امتحان می خواهد
 ۱۸ هم مگر خداست **قُلْ يَا مَعْزُومَاتُ اتَّخَذَ اللَّهُ الْإِنْسَانَ**
 مؤمن از این **مَكْرَهُمُ** مگر الهی در احوال می گذارد ، انسان
 ۱۹ مؤمن همیشه هراسناک است و می ترسد که صبادا هوس
 در این امتحان سر بلند بیرون بیایم . گاهی فزاید مگر

حضرت علی (ع): انسان با احسان دلها را مسخر می کند.



۸. اولین دار و دیوار مکر تا کوس، مکر او مکر الله در... نفعته های
 آنجا را خدا خشنی می کند این مکر تا کوس است در واقع مکر فرزندان
 است. چون آنجا مکر کردند خدا هم مکر کرد و وی گاهی خداوند
 ۱۰. سبب بر همه مکر می کند. ~~...~~ ان نهای مؤمن خوف
 را از مکر الهی در ایمان می راند. ~~...~~ هر چه که به آنجا خداوند
 ۱۱. بدهد می گویند این قصص خداست ولی نکلند این مکر الهی باشد
 ۱۲. و خدا را در ایمان می کند همیشه مؤمن بین خوف و رجاء
 است از طرف امیدوار به رحمت الهی است از طرفی هم می کند
 ۱۳. می گویند نکلند این قصص ایمان الهی باشد یعنی از یک طرف به
 ۱۴. رحمت الهی امیدوار و از طرفی از مکر الهی خائف است.
 ۱۵. یعنی با آن آفریدار این امر حله باشد هرگز نگردد من و تنگار
 ۱۶. شدم اگر در مسیر ایمان باشد در آفرین لحظه می گوید قدرت در
 ۱۷. الکعبه از طرفی از خود می ترسد... خداوندی و باید بداند ایمان
 ۱۸. الهی مکر خداست خوف دانسته باشد هر چند به رحمت خدا باشد
 امیدوار بود اینم الله ~~...~~ بین خوف و رجاء
 ۱۹. کند به همین معنی است کسی که مغرور به ایمان خود بخورد
 می افتد آن التجار به خداست که زحمت بر حق است



۸ همیشه تمام عالم را امتحان الهی بدانید. نکته آخر برای جمع ثوابی
 ۹ این بحثها باید گفته شد این است که این آیه سنت یک
 ارتباط تنگاتنگی با هم دارند و آنکه این است که اول هر
 ۱۰ مورد امتحان واقع شود اگر سر بلند بیرون آمدن جزای غیر
 ۱۱ بیست و اگر سر بلند بیرون نیامد جزای شصت بیست
 ۱۲ اذابتی ابراهیم ربه... او را حضرت ابراهیم را امتحان
 کردیم آنگاه به او جزای غیر را دیدم آنگاه جاعک للناس
 ۱۳ اما از طرفی همین جزای غیر هم که داده می شود خود
 امتحان است. یعنی هر جزای غیر که به انسان داده می شود
 ۱۴ همه امتحان الهی است. پس سنت جزا درست
 ۱۵ امتحان پیچیده می شود اول سنت امتحان بعد سنت
 جزا و بعد همین هم امتحان است. پس سنت جزا یکی از
 ۱۶ عوامل درونی درست امتحان است و سنت امتحان
 ۱۷ یک سنت است که بعضی است که در تک مراحل
 جزا داده می شود